

ابیات ویس و رامین در تاج‌المآثر

دکتر علی‌رضا امامی *

تمهید اول

به نظر می‌رسد تاج‌المآثر اثر حسن نظامی نیشابوری¹ (زنده در 614ق)² نقش قابل ملاحظه‌ای در رواج و توسعه زبان فارسی در شبه قاره هند داشته است. پرداختن به تاریخ سه تن از حاکمان دهلی از سال 587 تا 614 ق بهانه‌ای است برای مؤلف تا کتابی

*. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.

1. منابع او را محمد بن حسن نظامی نیز نامیده‌اند که ظاهراً متأثر از مؤلف کشف‌الظنون است. (حاجی خلیفه، ج 1، ستون 269)

2. معلوم نیست از چه سبب در دانشنامه‌ها و مقالات مختلفی که به تاج‌المآثر و نویسنده آن، حسن نظامی، اشاره کرده‌اند، تاریخ مرگ او را حدود 614 دانسته‌اند (حتی یکی از مؤلفین با ذکر «حدود جمادی‌الآخر 614» تاریخ مرگ حسن نظامی را دقیق‌تر ذکر کرده است (آل داود، ص 46)؛ شاید علت اصلی این اطلاع غلط، نتیجه اشتباهی باشد که امیرحسن عابدی در مقدمه چاپ خود از تاج‌المآثر (ص 20) کرده است) در حالی که آخرین واقعه تاریخی که حسن نظامی در کتاب خود به آن می‌پردازد، به سال 614 هجری اتفاق می‌افتد که حکمرانی لاهور (تاج‌المآثر: لوهور) به «نواب خداوندزاده جهان ناصرالدین» (نسخه خطی تاج‌المآثر کتابخانه فیض‌الله افندی، ش 1402، گ 283، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ش 235، ص 423) سپرده می‌شود. این اشاره تاریخی تنها متضمن این معنی است که مؤلف تا سال 614 هجری زنده بوده است و از این بیان فوت مؤلف در حدود 614 پیدا نمی‌آید و معلوم نمی‌شود که آیا حسن نظامی یک روز پس از این تاریخ زنده بوده است یا سی و چهل سال پس از آن هم به حیات خود ادامه داده است.

مصنوع و آراسته به صنایع مختلف لفظی و معنوی بنویسد و نثر خود را به اشعار فراوان فارسی و عربی بیاراید. اگرچه حسن نظامی به نام گویندگان این ابیات اشاره نکرده است، اما تعداد ابیات منقول او در این اثر قابل توجه است و این ویژگی به ارزش و اهمیت آن می‌افزاید.

این کتاب به استقصای نگارنده حدود 3270 بیت فارسی دارد که مؤلف به اقتضای موضوع سخن خود آنها را در کتاب گنجانده است. به بیان دیگر تاریخ و نقل آن زمینه‌ای است تا مؤلف مجموعه‌ای از اشعار شعرای پیش از خود را بنا بر سلیقه شخصی دسته‌بندی کند و ضمن توصیف و تشریح هر واقعه‌ای ابیات مختلفی را که به آن زمینه یا ماجرا مربوط می‌شوند، از شعرای فارسی و عربی‌زبان بیاورد.

با این اوصاف از منظری دیگر می‌توان به تاج‌المآثر به عنوان جنگی نگریست که مجموعه‌ای از اشعار فارسی و عربی را در کنار یکدیگر گرد آورده و مؤلف مجموعه طبق مضمون مشترک آن ابیات، به بهانه نقل و روایت تاریخ مضمون‌پردازی کرده است. با رایانه‌ای شدن دیوان‌ها و مجموعه‌های اشعار و متون مختلف، امروزه شناسایی سراینندگان این اشعار کار دشواری نیست و به مدد نرم‌افزارهای مختلف می‌توان پی به تنوع شاعرانی بُرد که پیش از نظامی زیسته‌اند و او در اثر خود از اشعار آنان بهره برده است.³

اکثر این شعرا شاعران بزرگ و طراز اول پیش از حسن نظامی هستند. کسانی همچون اسدی طوسی، انوری، امیر معزی، عنصری، فرخی، فردوسی، سنایی، مسعود سعد، منوچهری، نیز فخرالدین اسعد گرگانی و غیره. طبعاً شناسایی شاعران برخی از ابیات نیز ممکن نیست و این به آن سبب است که در جنگها، مجموعه‌ها و دیوان‌هایی که هم‌اکنون شناسایی شده‌اند و در دسترس قرار دارند، آن اشعار ضبط نشده و نیامده‌اند.

با این وصف پس از شناسایی شاعران تاج‌المآثر، علاوه بر فواید دیگر می‌توان دو فایده از این اشعار بُرد:

1. کشف برخی ابیات مفقودشده از دیوان این شاعران که در کنار سایر ابیات حسن

3. نرم‌افزار دُرُج هم‌اکنون در دسترس همگان قرار دارد، اما نگارنده این سطور از پیکره رایانه‌ای گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی که برای تدوین فرهنگ جامع زبان فارسی تهیه شده است، برای شناسایی نام برخی از شاعران مجموعه تاج‌المآثر استفاده کرده است.

نظامی ضبط است.⁴

2. اختلاف ضبط اشعار مندرج در *تاج‌المآثر* و آنچه در دیوان‌های صاحبان آن اشعار آمده است، مخصوصاً اشعاری که از آنها نسخه‌های کهنی موجود نیست. به بیان دیگر از ضبط‌های موجود در *تاج‌المآثر* می‌توان به عنوان نسخه‌بدل برای انتخاب بهترین ضبط‌ها و نزدیک شدن به آنچه شعر اصیل و گفته اصلی مؤلف یک متن بوده است، استفاده کرد.

تمهید دوم

از طرف دیگر بی‌گمان *تاج‌المآثر* کتابی است که بر آثار پس از خود تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است و چنین به نظر می‌رسد که در شبه‌قاره بسیار مورد توجه بوده و فارسی‌نویسان آن سرزمین از آن الگوبرداری کرده‌اند. کثرت نسخ خطی *تاج‌المآثر* نسبت به بسیاری از آثار هم‌ردیف آن این امر را تایید می‌کند. بررسی و تطبیق سبک‌شناسانه آثار مشابهی که در حوزه شبه‌قاره پدید آمده‌اند با *تاج‌المآثر* فرصت دیگری می‌طلبد، اما بر اساس گفته‌های فوق می‌توان تصور کرد که *تاج‌المآثر* یکی از اولین دریچه‌های آشنایی فارسی‌زبانان هند با شاعران و ادبای گذشته ایران بوده است و بدین ترتیب حتی اگر فواید تمهید نخست این گفتار را نیز در نظر نگیریم، مقایسه آنچه که بخشی از حافظه ادبی این دسته از فارسی‌زبانان را شکل داده است، با متون اصلی و بالفرض مصحح می‌تواند جالب توجه و تأمل‌برانگیز باشد و البته مقدمات تحقیقات تطبیقی گسترده‌تری را نیز فراهم می‌سازد.

در گفتار حاضر به بررسی ابیات منقول از منظومه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی (زنده در 446ق) در *تاج‌المآثر* پرداخته‌ایم. پس از استخراج و استنساخ ابیات ویس و رامین⁵ که در نسخ خطی *تاج‌المآثر* ضبط شده‌اند و بالغ بر 64 بیت است، به مقایسه

4. در سال 1388 در مقاله‌ای با عنوان «*تاج‌المآثر* و کشف ابیاتی فراموش‌شده از چند دیوان» تعدادی از این ابیات شناسایی و معرفی شد، ابیات دیگری نیز در کتاب وجود دارد که به علت عدم رجوع مؤلفان به گنجینه‌ای کارآمد شناسایی و معرفی نشده است.

5. منظور از ابیات ویس و رامین در اینجا مجموع ابیاتی است که در قالب مثنوی و بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف در این کتاب یافته‌ایم و 43 بیت آن یقیناً از آن منظومه است و 21 بیت باقی‌مانده نیز محتمل است که از آن منظومه یا از منظومه ناشناخته دیگری باشد که نتوانسته‌ایم نام آن را بیابیم؛ به هر روی آن ابیات را نیز از روی احتیاط در اینجا نقل کرده‌ایم.

آن ابیات با صورت مندرج آنها در آخرین نسخه چاپی ویس و رامین اقدام کرده‌ایم که به نظر می‌رسد انتقادی‌ترین نسخه از میان چاپ‌های موجود ویس و رامین است. کهن‌ترین نسخ خطی ویس و رامین که بر اساس آنها تا کنون چهار تصحیح (کلکته 1865، مینوی، محبوب و تودوا-گواخاریا) انجام شده است، تاریخ ندارند و به نظر نمی‌رسد هیچ‌یک از سده 11 ق قدیم‌تر باشند. این در حالی است که میان مؤلف تاج‌المآثر که همان گونه که یاد کردیم در سال 614 ق زنده بوده است، با مؤلف ویس و رامین (زنده در 446 ق) لااقل 168 سال کم یا بیش فاصله بوده است و طبعاً نسخه‌ای از ویس و رامین که مورد ملاحظه حسن نظامی قرار گرفته، تاریخی نزدیک‌تر به زمان حیات مؤلف آن داشته است. به این ترتیب می‌توان مدعی شد که این 64 بیت منقول در تاج‌المآثر کمتر دستخوش تغییر و تصرف کاتبان گوناگون قرار گرفته‌اند. البته توجه به دو نکته در این باره ضروری است:

1. بررسی امانتداری مؤلف تاج‌المآثر و میزان دخل و تصرف او در اشعار منقول او فرصتی وسیع‌تر می‌طلبد که این مقاله و امثال آن مقدمات تحقیق این امر را فراهم می‌آورند. اساساً این سؤالی است که در برخورد با هر سفینه و جنگ و مجموعه‌ای پیش روی محقق قرار می‌گیرد، مخصوصاً به این دلیل که جمع‌آوردگان اشعار جنگ‌ها و مجموعه‌ها گاهی اشعار را خارج از بافت طبیعی آنها و متنی که در آن مندرج بوده‌اند، نقل می‌کرده‌اند؛ مثلاً از جنگ یا مجموعه‌ای دیگر یا گاهی از حافظه خود به نقل آن اشعار می‌پرداخته‌اند؛ از سوی دیگر درجه ذوق و سواد یک جنگ‌پرداز ممکن است که میزان امانت‌داری او را تحت‌الشعاع قرار دهد و به بهتر و زیباتر ساختن اشعار (و طبعاً تصرف در آنها) اقدام کند که عملاً این موارد آفتی در میزان صحت ضبط‌ها و تطابق آنها با اصل دست‌نویس مؤلفان اصلی است.

2. استنساخ از متونی همچون تاج‌المآثر نیز به هر روی ما را از متن اصلی دورتر می‌کند. به بیان دیگر آنچه ما امروز از تاج‌المآثر در دست داریم بی‌گمان همانی نیست که شخص حسن نظامی کتابت کرده است و مسلماً در نسخه‌ها و رونویس‌های کاتبان برخی دگرگونی‌ها و تصرفات راه یافته است. ذیلاً تفاوت‌های دو نسخه از تاج‌المآثر در ضبط ابیات

ویس و رامین ملاحظه خواهد شد. اما به هر روی این امری اجتناب‌ناپذیر است و آثار کمی هستند که نسخه‌های دست‌نویس مؤلف آنها به دست ما رسیده باشد و در این باره ما ناگزیر به تصحیح انتقادی متون بر اساس روش‌های شناخته‌شده هستیم تا به بازسازی نسخه‌ای که نزدیک به نسخه مؤلف است، موفق شویم. آنچه ما را نسبت به این امر امیدوار می‌کند آن است که خوشبختانه از تاج‌المآثر نسخه‌های قدیم و منقح به دست ما رسیده است که امکان تصحیح انتقادی و روشمند از این کتاب را برای ما میسر می‌کند.⁶

روش

با توجه به نکات فوق و مخصوصاً با توجه به اینکه تاکنون تصحیح درخور توجهی از تاج‌المآثر انجام نشده است، ناگزیریم خود به تصحیحی اولیه و مقدماتی از بخشهای مورد نیاز این کتاب اقدام کنیم. به این منظور اقدام نسخ تاج‌المآثر را که تنها 80 سال از تاریخ تألیف آن فاصله دارد، نسخه اساس قرار دادیم و با نسخه منقح، مضبوط و مصحح مورخ 726 کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مقابله کردیم. مسلم است که تصحیح نهایی تاج‌المآثر نیاز به تلاش‌هایی گسترده‌تر دارد ولی در همین حد نیز می‌توان به صورت کلی به اقدام نسخ تاج‌المآثر اعتماد نمود. مشخصات نسخه‌شناسی دو نسخه فوق به اجمال بدین قرار است:

1. تاج‌المآثر، کتابخانه فیض‌الله افندی، شماره 1402، به خط نسخ، 320 برگ، 21 سطر، انجامه: «تم الكتاب بعون الملك الوهاب فی اواخر شهر جمادی الاولی سنه اربع و تسعين و ستمایه» فیلم آن به شماره 169 در دانشگاه تهران موجود است.⁷ در اینجا از رمز «ف» برای ذکر این نسخه استفاده خواهیم کرد.

2. تاج‌المآثر، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره 235، 222 برگ، 26 سطر، انجامه: «تمت الكتابة علی یدی الفقیر الی الودود محمد بن داود الفلکی فی غرة شعبان

6. آنچه پیش از این توسط مرحوم سید امیرحسین عابدی به صورت ناقص از این کتاب منتشر شده است، درخور نقدی مفصل است و نمی‌توان آن را به هیچ وجه صورت نهایی تاج‌المآثر فرض کرد.

7. در مقاله حاضر از تصویر همین فیلم استفاده کرده‌ایم و برای ارجاع به صفحات آن نیز شماره همین تصاویر را آورده‌ایم و برای نشان دادن صفحات سمت راست از حرف «آ» و صفحات سمت چپ از حرف «ب» بهره برده‌ایم.

سنه ست و عشرین و سبعمایه⁸. در اینجا از رمز «ت» برای ذکر این نسخه استفاده خواهیم کرد.

پس از به دست دادن هر بیت از ویس و رامین منقول در تاج‌المآثر بر اساس این دو نسخه همان ابیات از چاپ ویس و رامین انتشارات بنیاد فرهنگ ایران به تصحیح ماگالی تودوا و الکساندرا گواخاریا را آورده و آنها را با هم مقابله کرده‌ایم و در صورت نیاز توضیحاتی را نیز ذکر کرده‌ایم. مواضع مورد اختلاف نیز با خطی در زیر آنها مشخص شده است.

در پایان همین بخش نیز به ابیاتی که هم‌وزن با این منظومه بوده‌اند اما در چاپ مذکور یافت نشده‌اند، اشاره کرده‌ایم.

اینک ابیات ویس و رامین در کتاب تاج‌المآثر:

1. * تاج: ترا اختر رسد روزی به فریاد
از آن پس کت نماید چند بیداد⁹
(ف:15؛ ت:18)
- * ویس: ترا دولت رسد روزی بفریاد
از آن پس کت نماید چند بیداد
(305)
2. * تاج: تنم را آرزومندی چنان کرد
به ناله می‌بدانستند حالم
اگر مرگ آید و سالی نشیند
به هجر اندر همین¹⁰ یک سود بینم
که از مرگ ایمنم تا من چنینم¹¹
(ف:23؛ ت:30)

8. در فهرست‌ها خط این نسخه را نستعلیق هندی نوشته‌اند که به هیچ وجه صحیح نیست. خط آن بیشتر خطی شخصی متمایل به نسخ است و البته خوش نیست اما نسخه‌ای مشکول و کم‌غلط است که در حواشی یا بالای سطور آن تصحیحاتی دیده می‌شود که بعضاً به خط کاتب است و در برخی موارد برای پرهیز از غلط‌خوانی با رسم‌الخطی جدید توسط دیگری دوباره‌نویسی شده است. اغلاط کم‌شمار این نسخه، با توجه به مصنوع و متکلف بودن متن، آن را بسیار قابل توجه و اعتماد می‌سازد. برای ارجاع به این نسخه از صفحه شماری که به این نسخه افزوده شده است و به هر صفحه شماره‌ای داده شده است، استفاده کرده‌ایم.

9. ت: نماید ریخ(کذا؛ ظ: رنج) و فریاد.

10. ت: همی.

11. در «ت» دو بیت اول در آخر آمده‌اند.

- * ویس: تنم را آرزومندی چنان کرد
 به ناله می‌دانستند¹² حالم
 اگر مرگ آید و سالی نشیند
 به هجر اندر همین یک سود بینم
 که از دیدار بیننده نهان کرد
 کنون نتوانم از سستی که نالم
 به جان تو که شخص من نبیند
 که از مرگ ایمنم تا من چنینم
 (365)
3. * تاج: ز بس کیم¹³ دل به تو هست آرزومند
 نه خرسندی بُود چنین¹⁴ به ناکام
 مرا مادر دعا کرده‌ست گویی
 به دیدار خیالت گشت خرسند
 چو مرغی کو بُود خرسند در دام
 که از تو دور بادا هرچه جویی
 (ف: 24؛ ت: 32)
- * ویس: ز بس کیم¹⁵ دل به تو هست آرزومند
 نه¹⁷ خرسندی بُود چونین به ناکام
 مرا مادر دعا کرده‌ست گویی
 به دیدار خیالت گشت¹⁶ خرسند
 چو مرغی کو بُود خرسند در دام
 که بادا دور از تو¹⁸ هرچه جویی
 (368)
4. * تاج: چه بودی گر بختی دیدگانم
 ترا دیدی به خواب اندر روانم
 (ف: 25؛ ت: 32)
- * ویس: چه بودی گر بختی دیدگانم
 ترا دیدی به خواب اندر نهانم¹⁹
 (369)

12. این چهار بیت از ده‌نامه ویس و رامین است و در سفینه تبریز که این ده‌نامه نیز در آن آمده است، این کلمه «ندانستند!» ضبط شده (ص 555، ستون اول) که مسلماً سهو کاتب سفینه یا کاتب یکی از نُسخ منقول عنه بوده است. سایر مواضع این چهار بیت از نسخه چاپی با سفینه نیز همخوانی دارد. نگارنده این سطور ده‌نامه را در این دو کتاب یعنی ویس و رامین و سفینه تبریز مقایسه کرده است که نتیجه آن را در فرصتی دیگر عرضه خواهد کرد.

13. در «ت» «کیم» افتاده است و کسی بعداً بالای سطر نوشته است: «کین».

14. ت: جرتین (ظاهراً نقاشی کرده است و همان «چونین» است).

15. نسخه کلکته: «نه بس!»

16. نُسخ آکسفورد و کلکته: «هست».

17. نسخه کلکته: «به!»

18. نسخه‌های آکسفورد، کلکته و استانبول یعنی سه نسخه از چهار نسخه اصلی مصححین مطابق ضبط تاج‌المآثر آورده‌اند؛ سفینه تبریز نیز مطابق این نسخ و تاج‌المآثر ضبط کرده است (ص 555، ستون دوم).

19. ایضاً نسخه‌های آکسفورد، کلکته و استانبول یعنی سه نسخه از چهار نسخه اصلی مصححین مطابق ضبط تاج‌المآثر (یعنی «روانم») آورده‌اند؛ در این مورد نیز سفینه تبریز با این نُسخ و تاج‌المآثر مطابقت دارد (ص 555، ستون دوم).

5. * تاج: بلرزم چون براندیشم ز هجران
 چو گنجشکی که تر گرد ز باران
 (ف: 126؛ ت: 34)
- * ویس: بلرزم چون براندیشم ز هجران
 چو گنجشکی که تر گرد ز باران²⁰
 (399)؛ نیز در پانویس 9 صفحه 78 نیز آمده است که نشان می‌دهد دو نسخه
 آکسفورد و کلکته در این موضع نیز این بیت را ضبط کرده‌اند)
6. * تاج: گهی تن پرورش دادی به رامش
 گهی دل را خورش دادی به دانش
 (ف: 27؛ ت: 36)
- * ویس: گهی جان را خورش دادی ز دانش
 گهی تن را جوان²¹ کردی به رامش²²
 (526)
7. * تاج: هوا از قعر دریا تیره‌تر شد
 فلک چون قعر دریا پرگهر شد
 (ف: 168؛ ت: 97)
- * ویس: هوا از قعر دریا تیره‌تر شد
 فلک چون قعر دریا پرگهر شد
 (510)
8. * تاج: صف جوشن‌وران بر روی صحرا
 به موج اندر دلیران چون نهنگان
 چو کوه اندر میان موج دریا
 به کوه اندر سواران چون پلنگان
 (ف: 180؛ ت: 116)
- * ویس: صف جوشن‌وران بر روی صحرا
 به موج اندر دلیران چون نهنگان
 چو کوه اندر میان موج دریا²³
 به کوه اندر سواران چون پلنگان
 (67)
9. * تاج: چو زرین گنبدی بر چرخ یازان
 بسان دلبری در لعل ملحم
 چو روز وصل²⁶ او را روشنایی
 شده لرزان و زرش پاک²⁴ ریزان
 خروشان و گرازان²⁵ مست و خرم
 همو سوزنده چون روز جدایی

20. این بیت که مربوط به بخش «گفتار اندر مویه کردن ویس بر جدایی رامین» است و در سفینه تبریز پس از پایان ده‌نامه آمده است (ص 559)، ظاهراً از سفینه تبریز ساقط شده است.

21. نسخه کلکته: چرا.

22. همانگونه که دیده می‌شود در دو متن، دو مصراع این بیت جا به جا آمده‌اند، ولی ضبط تاج‌المآثر صحیحتر به نظر می‌رسد.

23. نسخه‌های آکسفورد و کلکته این بیت را ندارند.

24. ف: «پاک» بی‌نقطه. 25. ت: گزاران. 26. ت: فصل.

ز نورش باز تاریکی دمنده
(ف: 96؛ ت: 156)

شده لرزان و زرش²⁷ پاک ریزان
گرازان و خروشان مست و خرم
همو سوزنده²⁸ چون روز جدایی
(201)

چو زنجیر و زره افتاده درهم³⁰
تو گفתי سرمه کردستش به نیرنگ³¹
فروهشته ز فرقش تا کمرگاه
ز سیم آویخته گسترده بر عاج
ز تاب موی گل بر باد بیزانز
هم از بویش خجل عود قماری
سرین گور بودش چشم آهو
(ف: 101؛ ت: 147)

چو زنجیر و زره افتاده درهم³²
تو گفתי هست جادویی³³ به نیرنگ
فروهشته ز فرقش تا کمرگاه
ز سیم آویخته گسترده بر عاج³⁶

ز چهره نور بر گیتی فکنده

* ویس: چو زرین گنبدی بر چرخ یازان
به سان دلبری در لعل و ملحم
چو روز وصلت او را روشنایی

10. * تاج: دو زلف عنبرین از تاب²⁹ و از خم

دو چشم نرگسین از فتنه و رنگ
ز مشک تبتی مرغول پنجاه
ز تاب و رنگ همچون رندش ساج
ز رنگ روی مُل بر خاک ریزان
هم از رویش خجل باد بهاری
جمال حور بودش طبع جادو

* ویس: دو زلف عنبرین از تاب و از خم

دو چشم نرگسین از فتنه و رنگ
ز مشک موی او³⁴ مرغول پنجاه
ز تاب و رنگ مثل ریزش زاج³⁵

27. نسخهٔ استانبول: برگش.

28. نسخه‌های آکسفورد و کلکته «همی سوزید» و استانبول «همی نالید» ضبط کرده‌اند و متن ظاهراً مطابق نسخهٔ پاریس است.

29. ف: «تاب» بی نقطه. 30. ت: برهم.

32. دو نسخهٔ آکسفورد و کلکته این بیت را ندارند.

33. در نسخهٔ استانبول مصراع دوم «تو گفתי سرمه کردستش به نیرنگ» است، یعنی مطابق تاج‌المآثر؛ در دو نسخه آکسفورد و کلکته مصراع دوم چنین است: «تو گفתי هست کردندش ز نیرنگ» متن هم ظاهراً مطابق نسخهٔ پاریس و ترجمهٔ گرجی است.

34. سه نسخهٔ آکسفورد، کلکته و استانبول مطابق تاج‌المآثر «مشک تبتی» ضبط کرده‌اند.

35. نسخهٔ استانبول چنین ضبط کرده است: «ز تاب و رنگ همچو سندس ساج»؛ کلکته نیز چنین است: «ز تاب و رنگ همچون زمردین تاج». همانطور که ملاحظه می‌شود ضبط این دو به ضبط تاج‌المآثر نزدیک است.

36. کلکته: «ز هم آمیخته گسترده بر عاج». پس از این دو بیت در ویس و رامین آمده که در تاج‌المآثر نیست.

ز تاب موی عنبر باد بیزان³⁸
هم از مویش خجل عود قماری
(38)

سرین گور بودش چشم آهو
(44)

می رنگین به رخ بازآورد رنگ
غمان گردست و می باران گردست
وگر شادیست می شادی‌فزیست
کجا شادی بود شادی‌فروزست
(ف: 1107؛ ت: 158)

می رنگین به رخ بازآورد رنگ
غمان گردست و می باران گردست
وگر شادیست می شادی‌فزیست
کجا شادی بود شادی‌فروزست
(256)

ز رنگ روی گل³⁷ بر خاک ریزان
هم از رویش خجل باد بهاری

جمال حور بودش طبع³⁹ جادو

11. * تاج: می⁴⁰ چون زنگ⁴¹ بزداید ز دل زنگ⁴²
هوا دردست و می⁴³ درمان دردست
گر اندوهست می اندوه‌ریاست⁴⁴
کجا⁴⁵ انده بود اندوه‌سوزست⁴⁶

* ویس: می خون‌رنگ⁴⁷ بزداید ز دل زنگ
هوا دردست و می درمان دردست
گر اندوهست می اندوه‌ریاست⁴⁸
کجا⁴⁹ انده بود اندوه‌سوزست

37. پیداست که ضبط تاج‌المآثر قابل توجه است.

38. ضبط نسخه استانبول در مصراع دوم چنین است: «ز تاب موی مل بر باد بیزان» که اگرچه صحیح نیست اما

ضبط مصراع اول در تاج‌المآثر را تایید می‌کند. بیت بعدی در ویس و رامین پس از چند صفحه آمده است

39. نسخه آکسفورد «چشم» و کلکته «غمزه» ضبط کرده است.

40. کذا در هر دو نسخه و ظاهراً «ی» به جای کسره است که البته در هر دو نسخه نمونه‌های قابل شمارش ندارد یا شاید تصرفی است که مؤلف در متن منقول خود کرده و برای توصیف «می» و تغخیم آن «یاء» نکره بر آن افزوده است.

41. ف: رنگ. 42. ف: زنگ.

43. ت: دردست می (باید تذکر داد که در نسخه «ت» در بسیاری موارد، واو عطف به شکل ضمّه نشان داده شده است و لذا در مواردی که ضبط نشده نیز می‌توان حکم کرد که کاتب مانند ضمّه با آن رفتار کرده است).

44. ت: انده‌زدايست. 45. ف: اندوه. 46. ف: اندوه سوزست.

47. ضبط متن مطابق نسخه آکسفورد و احتمالاً ترجمه گرجی کتاب است. سایر نسخ چنین است: پاریس: «خوش‌رنگ»؛ استانبول: «گل‌رنگ»؛ کلکته: «چون رنگ». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در اینجا نیز ضبط تاج‌المآثر

که ضبط دشوارتر است، بر متن چایی ویس و رامین و نسخ آن برتری دارد. در لغت فرس ذیل لغت «رنگ» به معنی ماه (= ماهتاب) این شاهد از دقتی آورده شده است: «می چون زنگ و دین زدهشتی» (اسدی، 1319، 267) از استاد ارجمند، جناب آقای دکتر علی‌اشرف صادقی که این نکته را یادآوری کردند سپاسگزارم.

48. سه نسخه از نسخ فرعی مورد استفاده مصححین مطابق نسخه «ف» تاج‌المآثر یعنی «انده‌زدايست» ضبط کرده‌اند.

12. * تاج: چو رامین هر گهی بنواختی چنگ ز خوشی بر سر آب آمدی سنگ⁴⁹
(ت: 160)
- * ویس: چو رامین گه گهی⁵⁰ بنواختی چنگ ز شادی⁵¹ بر سر آب آمدی سنگ⁵²
(219)⁵³
13. * تاج: چو نپسندی ستم را از ستم‌کار مکن تو نیز هرگز بر ستم‌کار
(ف: 1148؛ ت: 222)
- * ویس: چو نپسندی ستم را از ستم‌گار مکن تو نیز هرگز بر ستم‌کار
(20)
14. * تاج: درو مردم ندیم ماه بودی ز راز آسمان آگاه بودی
(ف: 163؛ ت: 246)
- * ویس: برو⁵⁴ مردم ندیم ماه بودی⁵⁵ ز راز آسمان آگاه بودی
(238)⁵⁷
15. * تاج: چو آمد با سپاه از شهر بیرون زمین گفتی روان شد همچو گردون
همی رفت از زمین⁵⁸ بر آسمان گرد
به گرد اندر چنان بودند لشکر
چنان آمد همی لشکر به انبوه
که در میخ تنک پاینده⁵⁹ اختر
که گه را دشت⁶⁰ کرد و دشت را کوه
(ف: 193، 193؛ ت: 295)

49. «ف» این بیت را ندارد.
50. نسخه کلکته «گرگهی» ضبط کرده است.
51. دو نسخه استانبول و کلکته مطابق تاج‌المآثر «خوشی» ضبط کرده‌اند.
52. ترجمه گرجی ویس و رامین مضمون مصراع دوم را چنین ضبط کرده است که: «مرغان خاموش می‌شدند» که با هیچ یک از نسخه‌ها هم‌خوانی ندارد.
53. مطابق مضمون این بیت در صفحه 222 هم چنین آمده است: «چو رامین چند گه نالید بر چنگ/ همی از ناله او نرم شد سنگ».
54. آکسفورد و کلکته: «دزو (ظ:درو)».
55. مصححان در این موضع به مضمون ترجمه گرجی اشاره کرده‌اند که: «نه از آتش بلکه از آفتاب گرم می‌شد» و احتمالاً این مضمون مربوط به مصراع دوم بیت پیشین است که به اشتباه در اینجا نقل کرده‌اند و اگر کار مصححین صحیح باشد، پس ترجمه گرجی با هیچ یک از نسخه‌ها در این موضع سازگاری و هم‌خوانی ندارد.
56. استانبول: «راه»
57. در ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی نیز این بیت مطابق ضبط تاج‌المآثر ضبط شده است (جلد 2، ص 1241).
58. ف: امین. 59. ف: پاینده؛ ت: تابنده. 60. ف: داشت.

16. * ویس: چو آمد با سپاه از مرو⁶¹ بیرون
همی رفت از زمین بر آسمان گرد
به گرد اندر چنان بودند لشکر
چنان آمد همی لشکر به انبوه
زمین گفתי روان شد همچو جیحون⁶²
تو گفתי خاک با مه راز می‌کرد⁶³
که در میخ تنک⁶⁴ تابنده⁶⁵ اختر⁶⁶
که گه را دشت کرد و دشت را کوه
(66)⁶⁷
17. * تاج: چو تیر از زه⁶⁸ بخواهد⁶⁹ تافتن سر
درختی کو نباشد راست بالا
پدید آید در آهنگ کمان‌گر⁷⁰
چو برروید شود ز آغاز پیدا
(ف: 203؛ ت: 310)
18. * تاج: چو تیر از زه بخواهد تافتن سر
درختی کو نباشد راست بالا
پدید آید در آهنگ کمان‌ور⁷¹
چو برروید شود کژی⁷²ش پیدا
(51)⁷³
19. * تاج: ز کشته پشته‌ای شد زعفرانی
تو گفתי چرخ زرین ژاله بارید
ز خون رودی به گردش ارغوانی
به گرد ژاله برگ⁷⁴ لاله بارید
(ف: 214؛ ت: 326)
20. * ویس: ز کشته پشته‌ای شد زعفرانی
تو گفתי چرخ زرین ژاله بارید
ز خون رودی به گردش ارغوانی
به گرد ژاله برگ لاله بارید
(70)⁷⁵

61. به نظر می‌رسد مؤلف تاج‌المآثر برای تطبیق با سایر اجزای متن خود «مرو» را به شهر تغییر داده باشد.
62. نسخه‌های آکسفورد، کلکته و استانبول «گردون» ضبط کرده‌اند که مصححین از آنها عدول کرده‌اند؛ یک بیت دیگر نیز پس از این در متن ویس و رامین آمده که تاج‌المآثر ندارد.
63. یک بیت دیگر نیز در متن ویس و رامین وجود دارد که مؤلف تاج نیآورده است.
64. نسخه پاریس: «سیه».
65. ضبط همه نسخه ویس و رامین مطابق ضبط نسخه «ت» از تاج‌المآثر است.
66. در متن دو بیت دیگر نیز بین این بیت و بیت بعدی فاصله است.
67. در تاریخ‌نامه هرات (ص 292) این ابیات به اشتباه با نام نظامی نقل شده است.
68. ف: ره. 69. در «ف» حرف اول نقطه ندارد. 70. ت: کمان‌ور.
71. متن مطابق ضبط نسخه «ت» از تاج‌المآثر است.
72. دو نسخه آکسفورد و کلکته «بود ز آغاز پیدا» ضبط کرده‌اند که با اندکی تفاوت شبیه ضبط تاج‌المآثر است.
73. در زبده‌التواریخ (ج 3، ص 499) بیت اول آمده است.
74. ف: کرد (ظ = گرد).
75. نیز در مطلع سعدین (ج 1، ص 923) بیت اول با اندکی اختلاف و در احسن‌التواریخ (ج 1، ص 479) هر دو آمده است.
76. ف: بازنده.

21. * تاج: چو سوسن بود تیغ هندوانی / از او بارنده⁷⁶ سیل ارغوانی
چو شاخ مورد بر وی برگ گلنار / چو برگ نار بر وی دانه نار
(ف: 269ب؛ ت: 403)
22. * ویس: چو میغی⁷⁷ بود تیغ هندوانی / از او بارنده سیل ارغوانی
چو شاخ مُرد بر وی برگ گلنار / چو برگ نار بر وی⁷⁸ دانه نار
(69)
23. * تاج: به فرّ نام تو گفتار چاکر / رود بر هر زبانی تا به محشر
(ف: 295ب؛ ت: 447)
- * ویس: به فرّ نام تو گفتار چاکر / رود بر هر زبانی تا به محشر
(540)

ذیلاً ابیاتی که در ویس و رامین چاپی و در سایر مظانّ منابع یافته نشد، می‌آید:

1. در انصاف او⁷⁹ تا باز بودی / سماع کبک ژنگ⁸⁰ باز بودی
به جز مطرب کسی رهزن نبودی / برهنه کس به جز سوزن نبودی
نکردی هیچ آب از سنگ فریاد / قبای گُل نگشتی پاره از باد
کبوتر از عقاب آموختی بند / به جان گرگ خوردی میش سوگند⁸¹
(ف: 153؛ ت: 74)
2. نکو زد این مَثَل دانای یونان / که هرگز برتری⁸² نآید ز دونان
بجای زهر ندهد مار⁸³ تریاک / نسیم نافه نآید هرگز از خاک
(ف: 53ب؛ ت: 75)
3. به دستش بر یکی مرغ زره پوش / ز سنبل پُرگُل از دُم تا بناگوش
چو بر قرطاس شامی خط عبری / و یا چون بر حواصل طوق قمری
بدان مانست نقشش بر پر و بال / که مهتاب اوقند بر گل ز غربال

77. اگر چه معنی کلی بیت ضبط «میغی» را پسندیده‌تر می‌کند ولی «سوسن» در این بافت ضبطی غریب است که علاوه بر تاج‌المآثر سه نسخه پاریس، آکسفورد و کلکته نیز آن را تایید می‌کنند.

78. نسخه استانبول: و بر وی! 79. ت: تو. 80. ت: زنگ.

81. این ابیات در طوطی‌نامه ثغری (جز بیت سوم) (ص 8) و ظفرنامه یزدی (جز بیت اول) (ج 1، ص 12-13، 795) نیز با برخی تفاوت‌ها و کمی پسی و پیشی آمده‌اند.

82. کاتب نسخه «ت» در متن «بهتری» ضبط کرده است و سپس در حاشیه خودش به «برتری» اصلاح کرده است.

83. ف: مال.

- چو بر خد⁸⁴ بتان از مشک چنبر
 چو بر دست عروسان نقش عنبر⁸⁵
 (ف: 63؛ ت: 90 و 91)
4. هوا پُر باز بود و دشت پُر سگ
 یکی کرده هوا را بی پرنده
 یکی کرده زمین⁸⁶ را بی‌درنده⁸⁷
 (ف: 64؛ ت: 92)
5. خط عنبر صفت بر پشت هر گور
 به تیر از وی شده هر جای پُر خون
 چو از شمشاد بررسته طبرخون
 بسان نقطهٔ مار و خط مور
 (ف: 165؛ ت: 93)
6. چنان افتاد اندر خاک غلتان
 که رحم آورد بر وی پور دستان⁸⁸
 (ت: 203)
7. چو ملکت را پدید آید کمالی⁸⁹
 یقین می‌دان که ملک لایزالست⁹⁰
 کمالت را پدید آید زوالی
 کمالی کآن منزّه از زوالست
 (ف: 222؛ ت: 338)
8. از این پس گر⁹¹ فریب چرخ غدار
 مرا نبود به جام⁹² مرگ ساقی
 نگاری گردد آن بر روی ایام
 بسا دانا کزین سرمایه سازد
 به اقبال خداوند جهان‌دار،
 بگویم هم بر این منوال باقی
 که از خُشنش خجل گردند اجرام⁹³
 عروس طبع را پیرایه سازد
 (ف: 1296؛ ت: 449)

نتیجه

از مقایسهٔ این ابیات با آنچه در نسخهٔ چاپی ویس و رامین موجود است، چنانکه دیده شد، می‌توان به این نتیجه رسید که نسخهٔ چاپی فعلی تا حدّی قابل اعتماد است و توانسته است برخی ضبط‌های اصیل و قدیمی را در خود حفظ کند البته حتماً باید به

84. ت: خط.

85. این ابیات در *داراب‌نامهٔ بیغمی* (ج 1، ص 66) و *زبدهٔ التواریخ* (ج 4، ص 809) نیز با کمی تفاوت و بدون بیت آخر آمده‌اند.

86. ت: زمی. 87. ایضاً با اندک تفاوتی در *داراب‌نامهٔ بیغمی* (ج 1، ص 66) آمده است.

88. «ف» این بیت را ندارد. 89. ف: زوالی. 90. ت: یقین شد آنکه ملکت بی‌زوال است.

91. ف: جای. 92. ف: جای. 93. ت: اوهام.

نسخه استانبول توجه ویژه داشت، زیرا در بیشتر موارد ضبط نسخه استانبول ضبط تاج‌المآثر را تأیید می‌کند. در چند مورد همان‌گونه که در پانوشت‌ها توضیح داده‌ایم، مصححین بی‌دلیل از نسخه‌های قدیم خود عدول کرده‌اند و از این نظر نیز باید با این نسخه چاپی با احتیاط برخورد کرد. نکته مهم در این نسخه چاپی آن است که بر اساس این 43 بیت می‌توان چنین استنباط کرد که بالاخره یکی از نسخه‌بدل‌ها ضبط صحیح را در خود دارند و شاید روزی بتوان به بازسازی متنی اصیل از آن موفق شد.

ابیاتی که در ویس و رامین یافته نشد، اگر از آن ویس و رامین نباشد، حتماً از منظومه‌ای گم‌شده است که نسبتاً معروف بوده و به ابیات آن استشهاد می‌کرده و تمثیل می‌جسته‌اند؛ زیرا از میان همین 21 بیت چندین بیت را می‌توان یافت که در متون دیگر نیز، متأسفانه بدون نام مؤلف، آورده شده‌اند. می‌توان امید داشت تا شاید روزی این منظومه پیدا و احیا شود.⁹⁴

از طرف دیگر با توجه به مقایسه فوق می‌توان اطمینان داشت که مگر در مواردی معدود و نادر، که بافت کلی تاج‌المآثر ایجاب می‌کرده است، حسن نظامی در اشعار منقول تصرف نکرده است و بر این اساس می‌توان نتیجه را به سایر ابیات نیز تعمیم داد؛ اگرچه رسیدن به یقین در این باب کار دشواری است. نسخه‌های مورد استفاده ما نیز در این مقال می‌توانند مورد اطمینان باشند و مسلماً با در دست داشتن نسخ بیشتر از این کتاب می‌توان به تصحیحی به مراتب قابل قبول‌تر از این متن دست یافت.

محک زدن متن فعلی ویس و رامین با استفاده از متون جانبی فرصتی وسیع‌تر می‌طلبد؛ نگارنده در حال تدوین مقاله‌ای دیگر است که در آن ابیات ده‌نامه مندرج در ویس و رامین و سفینه تبریز را مقایسه کرده است. به اجمال می‌توان گفت که آن گفتار نیز تقریباً نتایج این مقاله را تا آنجا که به ویس و رامین مربوط می‌شود، تأیید می‌کند.

94. احتمال تعلق این ابیات به مثنوی شیرین و خسرو نظامی گنجوی (وفات: 614ق) منتفی است، زیرا علاوه بر تبعاعد مکانی دو مؤلف در یک عصر، هیچ بیت دیگری از خسرو و شیرین در این کتاب یافته نشده است.

منابع:

- آل داود، سید علی، «تاج‌المآثر»، فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی (معرفی آثار مکتوب از روزگار کهن تا عصر حاضر)، به سرپرستی احمد سمیعی (گیلانی)، سروش، تهران، 1387.
- بیغمی، شیخ حاجی محمد، *داراب‌نامه بیغمی*، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات ذبیح‌الله صفا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1339.
- ثغری (?)، عماد بن محمد، *طوطی‌نامه (جوهرالاسمار)*، به اهتمام شمس‌الدین آل‌احمد، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، 1352.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، *کشف‌الظنون عن اسامی‌الکتب و الفنون*، تصحیح محمد شرف‌الدین یالتقیا و معلم رفعت بیلگه کلیسی، مطبعه و کاله المعارف، استانبول، 1360 ق (1941 م).
- حافظ ابرو، *زبدة‌التواریخ*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج‌سیدجوادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، 1380.
- حسن نظامی، *تاج‌المآثر*، مقدمه، تصحیح و تنقیح سید امیرحسن عابدی، مرکز تحقیقات فارسی - رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، 1387 (2008 م).
- خوشحال دستجردی، طاهره و دیگران، «تاج‌المآثر و کشف ابیاتی فراموش‌شده از چند دیوان»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش 15، زمستان 1388، ص 75-94.
- روملو، حسن بیگ، *احسن‌التواریخ*، تصحیح و تحشیه عبدالحسین نوایی، انتشارات اساطیر، تهران، 1384.
- سفینه تبریز، گردآوری و به خط ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تاریخ کتابت: 721-723 قمری)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، 1381.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، *مطلع سعدین و مجمع بحرین* (ج 1، دفتر 2، 772-807 ه. ق.)، به اهتمام عبدالحسین نوایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، 1383.
- سیف بن محمد بن یعقوب هروی، *تاریخ‌نامه هراة*، به تصحیح محمد زبیر الصدیقی و سعی و اهتمام خان بهادر خلیفه محمد اسدالله، مطبع بیتست، کلکته، 1362 ق (1943 م).
- شرف‌الدین علی یزدی، *ظفرنامه*، تصحیح و تحقیق سید سعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، 1387.
- فخرالدین اسعد گرگانی، ویس و رامین، به تصحیح ماگالی تودوا - الکساندر گواخاریا، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، 1349.